

# بازرگانی آزاد و تقسیم کار بین المللی

نوشته دکتر امیر هوشنگ امینی

مقدمه:

به نظر می‌رسد پیش از آغاز سخن درباره اصل موضوع ضرورت داشته باشد به عنوان مقدمه یادآور این معنا باشیم که امروزه بیش از هر زمان آثار و پیامدهای ناشی از روابط اقتصاد بین‌الملل در زندگی روزمره ما به گونه‌ی بی‌خارج از تصور، عادی و پیش‌پاافتاده می‌نماید. روشن است که امروزه دیگر چندان توجه بر انگیز نیست که ما با چه سهولتی به انواع گوناگون تولیدات کشورهای دیگر دسترسی پیدا کرده و می‌کنیم.

به بیان دیگر، چندان سؤال برانگیز نیست که ما با چه سادگی به انواع میوه از سرزمین‌های دوردست و گاهی آنسوی دنیا دسترسی پیدا می‌کنیم آنها را به مصرف می‌رسانیم، و یا چگونه تولیدات صنعتی کشورهای دیگر را در اختیار گرفته و می‌گیریم و آنها را مورد استفاده قرار می‌دهیم، و یا چگونه با دستگاههای صوتی ژاپنی و آمریکائی و اروپائی به موزیک گوش فرا می‌دهیم و در اتومبیل‌های ژاپنی و کسره‌ای، آمریکائی و اروپائی به این سو و آنسو سفر می‌کنیم، اوقات فراغت و تعطیلات خود را در خارج از محل اقامت دائمی یا مرزهای ملی خودمان بسر می‌آوریم و با پول خارجی یا ارزی که از تبدیل پول ملی خود به دست آورده‌ایم هزینه‌های سفر خود را می‌پردازیم و... اما با وجود همه این واقعیتها، مسائل و مشکلات زمانی آشکار می‌شود که به طور نمونه، در روزنامه‌های داخلی یا خارجی می‌خوانیم عده زیادی از کارگران یا کارکنان صنایع فولاد و یا کشتی‌سازی یک کشور مشخص مشاغل خود را به سبب ارزان‌تر بودن دستمزد کارگران خارجی که وارد منطقه شده‌اند از دست داده‌اند. یا این که بر صفحه تلویزیون مشاهده می‌کنیم که تعداد زیادی کامیون به سبب آن که اجازه عبور به آنها داده نشده در مرز بین دو کشور متوقف مانده‌اند. یا این که در اخبار شبکه‌های رادیو - تلویزیونی می‌شنویم و مشاهده می‌کنیم که یک یا چند مؤسسه ژاپنی یک واحد تولیدی آلمانی را خریده‌اند. یا یک مؤسسه آلمانی در انگلیس اقدام به سرمایه‌گذاری کرده و مجموعه‌ای صنعتی به وجود آورده است و... و بالاخره می‌خوانیم که یک مؤسسه

انگلیسی با سرمایه‌گذاری کلان در تولید فرآورده‌های صنعتی، کارخانه و تأسیسات مربوط را در ایالات متحده آمریکا، مکزیک یا کشور دیگری خریداری کرده است.

اما در صدر تمامی اخبار همواره واژه «تفت» یا به چشم می‌خورد و یا شنیده می‌شود. اهمیت تفت بدان سبب است که این ماده یکی از عمده‌ترین و مهمترین مواد خامی است که در طبیعت وجود دارد. ماده‌ای که از آن سوخت، روغن، بنزین، کود شیمیایی، دارو، مواد پلاستیک و هزاران فرآورده دیگر که استفاده از آنها امروزه برای ما بی‌اندازه عادی به نظر می‌رسد، به دست می‌آید. ماده‌ای که ما مقدار زیادی از آنرا در اختیار داریم و جز چند کشور، کمتر جایی در این حد و اندازه از این ماده که زمانی به طلای سیاه مشهور بود در اختیار دارد. لذا ما نه تنها نیازی به وارد کردن آن نداریم، بلکه باید به عنوان عمده‌ترین و پربهارترین منبع تحصیل ارز، برای پیشرفت کشور از آن استفاده کنیم و نه آنکه درآمد آن را برای تأمین کسب بودجه جاری کشور، و به بیان دیگر خرید ارزاق عمومی یا پرداخت هزینه سوء مدیریت این یا آن دستگاه و یا مسئول و... اختصاص دهیم.

ماده‌ی مهمی که برخی ساده‌اندیشان تمامی کاستیهای کشور را بی‌آنکه در خود ببینند ناشی از آن می‌دانند و هر آنگاه که در تحلیل مسائل و مشکلات کشور، که بیش از همه معلول کم‌دانشی آنان و هم مسلکانشان می‌باشد - در می‌مانند، شکوه می‌کنند که تمامی مسائل و مشکلات کشور در گذشته و حال ناشی از وجود ذخائر نفتی بوده و هست. و پارا از این هم فراتر نهاده می‌گویند: اگر، تفت نمی‌داشتیم این همه مشکل هم نداشتیم، غافل از این که تفت مشکل کشور نیست. بلکه این نوع طرز تفکر مشکل کشور بوده و هست.

●●●

به هر حال، به کوتاه سخن باید پذیرفت که امروزه اقتصاد بین‌الملل و آثار و پیامدهای ناشی از آن بر تمامی شئون زندگی ما سایه افکنده، آنرا در بر گرفته و یا تحت تأثیر قرار داده است. بنابراین می‌تواند آن را به گونه‌ای سرنوشت‌ساز تغییر دهد. واقعیتی که بیش از همه در مورد ممالک و سرزمین‌هایی صدق می‌کند که چنانچه گفته می‌شود به گونه‌ای انقلابی یا ضربتی در

راه گذر از اقتصاد متمرکز دولتی به اقتصاد بازار، دست به کار شده و یا می‌شوند. همانگونه که اقتصاد غیر متمرکز و تا حدودی آزاد پیشین خود را نیز بی‌آنکه با اهل فن به مشورت نشسته باشند، به شیوه‌ای خودکامه و متأثر از جهل، خودخواهی و یا... با اقدامی ضربتی و گاه انقلابی به اقتصادی متمرکز و دولتی تبدیل کردند. به ویژه ممالکی که به لحاظ تغییر ساختار حکومتی هم اکنون با هرج و مرج اصلاح‌ناپذیر ساختاری دست به گریبانند و بی‌آنکه به واقعیت و فلسفه وجودی مفاهیم و یا مسائل مربوط پی برده باشند با ساده‌اندیشی ویژه ساده‌اندیشان تک بعدی، در اندیشه، یا دست در کار اجرای مفاهیم، با تعبیر و تفسیر ویژه خود شده‌اند.

## ابعاد اقتصاد بین‌الملل (جهانی)

روشن است که به طور کلی اساس روابط اقتصادی میان ملل جهان، و به بیان دیگر اقتصاد بین‌الملل، تقسیم بین‌المللی کار است. اما برای آن که نظام «تقسیم بین‌المللی کار» منجر به هرج و مرج نشود، تردید نیست که برقراری توافق میان طرفهای اقتصادی در اقتصاد بین‌الملل بی‌اندازه ضرور است. توافقی که باید در سطح بین‌المللی همانند توافق در سطح ملی منجر به تهیه قوانین و مقرراتی شود که تنظیم‌کننده روابط اقتصادی فیما بین کشورها و دولت‌های آنان باشد.

بنابراین نظام اقتصاد بین‌المللی یا اقتصاد جهانی عبارتست از مجموعه‌ی تمامی پیمان‌ها، مقررات و قوانین و... که منجر به تنظیم رویدادهای بین‌المللی در زمینه جریانهای اقتصادی می‌شود و ما آن را به گونه‌ای کلی بازرگانی بین‌المللی می‌نامیم.

باید توجه داشت که به طور کلی تقسیم کار در سطح جهان و یا تقسیم بین‌المللی کار در جریان تولید جهانی زمانی تحقق‌پذیر خواهد شد که همزمان امکان هباده کالا فراهم باشد و مبادله هم روی دهد. رویدادی که تنها با بکارگیری ابزارهای پرداختی (پول) رخ خواهد داد و حسب آن تقسیم بین‌المللی کار به وقوع خواهد پیوست.

با توجه به آنچه مورد اشاره قرار گرفت ملاحظه می‌شود که اقتصاد جهانی و به طور کلی روابط اقتصاد بین‌الملل دارای دو وجه (Real) و (Monetar)، و به بیان دیگر واقعی و پولی می‌باشد. بنابراین روشن

است که نظام اقتصاد بین الملل دارای دو جزء یا بخش می باشد و این دو جزء یا بخش عبارتند از نظام بازرگانی بین الملل و نظام پولی بین الملل. از این رو تردید نیست که امروزه هیچ نظام اقتصادی نمی تواند حتی در دورترین مناطق جهان بدون رعایت ضوابط و قوانین حاکم بر این دو جزء، و به تبع آن اقتصاد بین الملل پایدار باشد، حتی یا در اختیار داشتن ثروت کلان و غیر قابل قیاس با اقتصادهای پیشرفته و موفق. بگذریم!

با نگاهی گذرا به روند فعالیتهای اقتصاد جهانی ملاحظه می شود که نه تنها کالا، بلکه عوامل مورد نیاز برای تولید کالا مانند کار و سرمایه، و به بیان دیگر سرمایه و خدمات (Capital and Services) نیز در بیشتر کشورها به آنسوی مرزهای ملی در جریان است. ناگفته نماند که حرکت کالاهای سرمایه ای (ماشین آلات) نیز از جمله مبادلات کالائی و انتقال سرمایه محسوب می شوند، هر چند می توان آنها را به حساب جریان پرداختها محسوب داشت. در این صورت تردید نیست که مهاجرت نیروی کار در فرآیند اقتصاد بین الملل به عنوان بعد ثالث همچنان باقی خواهد ماند. واقعیتی که ناشی از حرکت جمعیت، نیروی انسانی و به بیانی دیگر، جابجائی یا برون کوچی است. حرکتی که از گذشته نزدیک آغاز شده است و اکنون به اندازه ای شدت یافته که کشورهای مهاجر فرست را با مسائل و مشکلات فراوان رو به رو ساخته است. مسائل و مشکلاتی که علل اصلی آنها را به هیچ وجه نمی توان ناشی از ریشه های اقتصادی آنها دانست.

### اصول و مبانی اقتصاد بین الملل

بی تردید صرف نظر از ضرورت پیروی و رعایت و حفظ قوانین بازی در نظام اقتصاد جهانی یا بین الملل، درباره اصول و مبانی تکمیل و توسعه قوانین بازی، حتی میان ایالات یک کشور نیز بایستی وحدت نظر حاکمیت داشته باشد، زیرا در غیر این صورت بروز اختلال در بازرگانی بین المللی، و به تبع آن پرداختهای بین المللی اجتناب ناپذیر خواهد بود. نکته ای که توجه به آن در خور اهمیت است این که در دوران توسعه، همواره روابط اقتصاد بین الملل ناشی و متأثر از اصل Protectionism «حمایتی» یا اصل «آزادی» در بازرگانی بین المللی می باشد. البته باید توجه داشت که وقتی از اصل "Protectionism" در بازرگانی بین المللی سخن به میان می آید، مراد وضعیت یا حالتی است که دولتها، تولیدکنندگان خود را در برابر تولیدکنندگان خارجی، و به بیان کلی تر، فعالان و دست اندازگان امور اقتصادی خود را به انواع گوناگون و روش های

مقاومت مورد حمایت قرار می دهند. به این معنا که با سختگیری و قائل شدن محدودیت در پرداختها، در کار واردات مشکل ایجاد می کنند و بدین سان بازار مصرف تولیدات داخلی را با هر کیفیت تا حدودی تقویت کرده، وسعت می بخشند. البته باید توجه داشت که در این شیوهی اقتصادی، ساختار اقتصادی، به ویژه تولید صنعتی کشور همواره در معرض مخاطرات فراوان و جبران ناپذیر قرار خواهد داشت.

### بازرگانی آزاد "Free-Trade":

«بازرگانی آزاد» نقطه مقابل بازرگانی مورد حمایت است. بنابراین تردید نیست که در بازرگانی آزاد باید تمامی محدودیت های مربوط به بازرگانی خارجی را بر طرف ساخت و اقتصاد یا بازرگانی خارجی و نقل و انتقال پول را بر اساس اصول و مبانی اقتصاد بازار تنظیم و به موقع اجرا درآورد، تا آزادی حرکت پول و سرمایه میسر شود.



روشن است که در تاریخ تحول روابط اقتصادی گاهی این اصل و گاه اصل دیگر حاکم بر قوانین و روشهای اعمال حاکمیت دولتها بوده است. اما کوشش در جهت یافتن ترکیبی درست از دو اصل مورد اشاره، در واقع شاه بیت تحول تاریخی واقعیتی است که تا کنون ریشه تمامی اختلاف نظرها و بحث و گفتگوها و اختلاف عقیده بین ممالک و دولتها در زمینه نظام اقتصاد بین الملل، و در واقع میان بازرگانی آزاد و مورد حمایت بوده است.

برای یافتن پاسخی درست به این پرسش که در فراه عمومی چگونه رشد می یابد؟، مروری حتی گذرا در تاریخ تحولات اقتصادی نیز می تواند کارساز باشد. به طور نمونه کافی است به این واقعیت اشاره شود که مثلاً در سالهای ۱۸۰۰ میلادی مصرف سرانه شکر در پروس (بخشی از آلمان کنونی) حدود یک کیلوگرم بوده است، زیرا نه فعالیتهای بازرگانی و نه کشاورزی هیچکدام قادر به تأمین و یا فراهم ساختن امکان مصرف بیشتر شکر نبودند. در حالیکه با مراجعه به آمارهای بین المللی ملاحظه می شود که اکنون مصرف سرانه شکر آلمانها در سال رقمی در حدود ۳۴ کیلوگرم است. افزون بر این، امروزه مصرف عمومی بیشتر به

جهت بهداشتی و کیفی مورد ملاحظه و توجه است، تا کمبود پول یا کالا. یا چنانچه به نمونه مصرف میوه و مرکبات مناطق حاره یا گرمسیری دور دست نگاه کنیم ملاحظه می شود که مصرف این نوع کالا حتی در کشورهای اروپایی نیز تا اندازه ای غیر عادی بوده و نه تنها یک تفنن محسوب می شده بلکه ویژه برخی اشخاص ثروتمند بوده است. در همین مورد از دید آماری ملاحظه می شود که میزان مصرف در سال ۱۸۰۰ میلادی چیزی در حدود سرانه ۷۰ گرم در سال بوده است. در حالیکه مصرف سرانه این نوع میوه و مرکبات همین مردم، در حال حاضر در حدود ۵۰ کیلوگرم است.

بنابراین روشن است که همه این پیشرفتها و رشد نرخ مصرف مدیون توزیع بین المللی کنار است. زیرا شک نیست که در غیر این صورت اهالی مالزی که امروزه به پیشرفتی چشمگیر ناآل آمده اند نیز به همان اندازه در بهره گیری از ثروت و ذخائر طبیعی خود دچار مشکل می بودند که برخی کشورهای آفریقایی برخوردار از منابع ثروتی زیاد با مشکل رو به رو می باشند و چه بسا در برخی از این ممالک بیشترین بخش جمعیت زیر خط فقر زندگی می کنند. بزعمس باید توجه داشت که چنانچه دسترسی به این منابع ثروتی میسر نمی بود، کشفیات و اختراعات جدید نیز میسر و امکان پذیر نمی شد. منابعی که کلاً در سرزمین های دور از دسترس کشورهای صنعتی پیشرفته قرار دارند. تردید نیست که آنچه سبب دسترسی به این منابع شده است بازرگانی است. تجارت و به طور کلی کلیه امور مربوط به بازرگانی است که توانسته است این ثروتهای بی جان را به ابزار رفاه برای زندگان و یا رفاه زنده تبدیل کند.

اساس اندیشهی بازرگانی آزاد ناشی از لیبرالیسم اقتصادی یا اقتصاد آزاد است. پیروان این دبستان اقتصادی، آزادی و مسئولیت فردی را اساس کار دانسته و نظام اقتصاد جهانی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار و مبانی آن اصلاح کرده و مورد حمایت قرار داده اند.

این باور و نظر حدود ۲۰۰ سال پیش از این در انگلستان از سوی نمایندگان و پیروان مکتب اقتصادی کلاسیک، از جمله آدام اسمیت (Adam Smith) (1723-1790)، دیوید ریکاردو (David Ricardo) (1772-1823) و جان استوارت میل (1806-1873) مورد حمایت و توصیه بود. آنها بر این باور بودند که به طور کلی انسان یا هر فرد آدمی به تنهایی به عنوان موجودی برخوردار از فهم، و به بیان روشن تر، برخوردار از «توان قضاوت سنجیده» در مورد مسائل محیطی مربوطه، بیش از هر شخص دیگری درباره مسائل و منافع خود توان تشخیص

نهایی و دنبال کردن آن را دارد و لذا از این جهت استقلال آزادی فردی در برابر قیومیت دولت مورد توصیه است. اینان طرفدار آزادی انتخاب در مصرف و اخذ تصمیم در سرمایه گذاری برای تولید (مالکیت خصوصی) بودند.

ملاحظه می شود که در این دوره آزادی تصمیم گیری فردی بر عهده متمرکاناتالیسم (Mercantalisme) واگذار شد. در حالیکه نمایندگان دبستان کلاسیک کاملاً آگاه بودند که آزادی بسیدون در اختیار داشتن چارچوب قانونی و مقرراتی به هرج و مرج خواهد انجامید. بنابراین تردید

نیست که دست «نامرئی بازار» بایستی با اعمال قدرت دولتی و به صورت سیاست اقتصادی متبلور و تکمیل شود. لذا حداقل مقررات تعیین شده از سوی دولت برای اعمال نظام اقتصاد بازار (به طور نمونه قوانین حقوقی، ارتسباطات، حمل و نقل، دفاع از کشور، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان) می تواند و بایستی مورد حمایت و تصدی دولت قرار گیرد.

ریکاردو بر این باور بود که: «در یک نظام بازرگانی آزاد، هر کشوری سرمایه و نیروی کار خود را در جهتی به کار می گیرد که منافع بیشتری برای او در بر داشته باشد و این تنها از طریق بهره مند شدن بیشتر افراد آن جامعه میسر است، واقیعی که خود به خود منجر به رفاه عمومی خواهد شد. چنین نظامی موجب خواهد شد تحرک و کوشش بیشتری در جامعه ایجاد شود... واقیعی که در نهایت منجر به خلق بهترین روشهای تولید خواهد شد. افزون بر این، قیمت گذاری آزاد بر اساس عرضه و تقاضا سبب می شود تعادل لازم میان تولید و مصرف به بهترین وجه فراهم آید و بدین سان سود حاصل از تقسیم کار در بازرگانی آزاد موجبات رفاه عمومی ملت را فراهم خواهد ساخت.

باید توجه داشت که لیبرالیسم اقتصادی در مجموع از یک تصور هماهنگ سرچشمه می گیرد، زیرا چنانچه موانع فراراه فرایند بازرگانی و رقابت از میان برداشته شود هر کس به دنبال منافع خود خواهد بود و بدین سان همه منتفع خواهند شد. از این رو باید پذیرفت که ملل صنعتی برخوردار از نظام اقتصاد آزاد بیرون و نگاهبانان این شیوه های اقتصادی می باشند. بهرحال مسائل و مشکلات کنونی بازرگانی بین المللی نیاز به ارائه راه حل هایی دارد که تنها براساس رعایت اصول و مبانی اقتصاد آزاد و همکاری وسیع سیاسی- اقتصادی بایستی در سطح جهان جستجو و دنبال شود.

### تقسیم بین المللی کار و رفاه عمومی

مزایای بازرگانی آزاد ناشی از آثار مستقیم و غیرمستقیم تقسیم بین المللی کار است و به طور کلی متکی بر این اصل که نجاری که نمی تواند لباس بدوزد باید از دوختن لباس صرف نظر کند و دوختن لباس خود

## «دست نامرئی بازار» باید با اعمال قدرت دولتی و به صورت سیاست اقتصادی متبلور و تکمیل شود

را به خیاط واگذار کند. زیرا او به مراتب آسانتر مبلمان، یا میز و صندلی تولید می کند. در این صورت خیاط و نجار با هم توافق خواهند داشت که نجار برای خیاط مبل تولید کند و خیاط لباس نجار را بدوزد. به عبارت دیگر بر سر مبادله کالا با یکدیگر توافق دارند. بنابراین ملاحظه می شود که این توافق بر سر مبادله میان خیاط و نجار ارتباطی به سرزمینی که در آن زندگی می کنند ندارد. زیرا آنها هر دو در مورد مبادله ملک خود با یکدیگر

توافق دارند و این توافق ناشی از آنست که تولید دو نوع کالای مورد نیاز از نقطه نظر مقایسه بدین سان ارزان تر تمام می شود.

به طور کلی تقسیم بین المللی کار زمانی از دیدگاه اقتصادی سودمند و سودبخش است که به طور معمول در دو کشور تفاوت هزینه تولید برقرار باشد.

در مقایسه هزینه تولید در دو سطح بین المللی ملاحظه می شود که هزینه در دو کشور متفاوت کاملاً از یکدیگر متمایزند. تمایزی که ناشی از دو دلیل عمده است:

۱- نخست گم و کیف ابزار و عوامل تولید در دسترس و همچنین مواد اولیه و ذخایر زیرزمینی، طبیعت، نیروی انسانی کار آموخته و چگونگی تجهیز کارگاهی از نقطه نظر ماشین آلات (سرمایه) است که در دو

کشور کاملاً متفاوتند.

دوم هزینه ایست که برای عوامل تولید در سطوح متفاوت بایستی پرداخت شود (مانند قیمت اصلی، کرایه، حقوق، بهره و غیره)

بدیهی است که دلیل های دو گانه مورد اشاره در هزینه های بین المللی مؤثر می باشند و به نظر می رسد از نظر اقتصادی دارای مزیت باشند. لذا ضرورت دارد ممالک مختلف، و از جمله کشور خودمان کوشش خود را در زمینه تولید کالاهایی متمرکز سازند که از مزیت نسبی نسبت به تولیدات مشابه دیگر کشورها برخوردارند.

تدبیر اقتصادی محض انسان را به این نتیجه راهبر است که تقسیم کار نباید محدود به کشورها باشد و به مرز کشورها ختم شود. چنانچه کشورها کوشش خود را در تولید آن دسته از کالاهای متمرکز سازند که در تحمل هزینه تولید از مزیت مطلق یا مزیت نسبی برخوردارند، در این صورت علاوه بر ایجاد تعادل در تولید جهانی، تعادلی مناسب در اشتغال جهانی و برقراری قیمت های مناسب کالا ایجاد خواهد شد. □

## گام دوم به امید

فقط با یک تلفن  
نشریه ماهانه گزارش را  
برای فرزندان و عزیزان خود  
در تهران، شهرستانها و خارج  
از کشور مشترک شوید.

ضمناً برای اطلاع بیشتر می توانید

مربطه اشتراک را در صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۴۶۷

تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۴۶۷  
تلفنهای جدید ۳۲-۸۸۴۲۷۳۰  
۸۸۳۲۳۶۱

## گام دوم به امید